

«شرق» ابهام در تحرکات دیپلماتیک دولت بایدن را بررسی می‌کند

گرگ و میش مذاکرات

هیچ سناریویی را نمی‌توان قطعی دانست، همان‌طور که نمی‌توان هیچ گزاره‌ای را هم کنار گذاشت. فعلا همه چیز مبهم است

به نوعی اعتراف ضمنی درباره دیدار بین راب مالی و سعید ابروانی را به ذهن متبادر می‌کند. به‌ویژه آنکه پاتل راجع به دیدار نماینده ویژه آمریکا در امور ایران و سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل تأکید داشت، «ما دارای ابزارهای لازم برای ارسال پیام به ایران در مواردی که در راستای منافع آمریکا باشد، هستیم، ما درباره محتوای این پیام‌ها با چگونگی ارسال آنها توضیح نمی‌دهیم».

در چنین شرایطی تکذیب کاخ سفید و ودانت پاتل درباره هرگونه تلاشی برای توافق با تهران به موازات مطرح‌بودن دیدارهایی با مقامات ایرانی بر سر موضوع زندانیان دوتابعیتی یک فضای مبهم را از دیپلماسی دولت بایدن در آستانه ورود به انتخابات ریاست‌جمهوری به دست می‌دهد. شاید در یک گزاره تحلیلی بایدن در گام اول در تلاش برای رسیدن به توافقی با ایران بر سر زندانیان دوتابعیتی باشد که می‌تواند با داغ‌شدن تئور انتخابات به‌عنوان برگه برنده انتخاباتی مورد استفاده قرار گیرد و بعد موضوعات دیگر در ادامه مطرح شوند.

اطمینان بخشی به اسرائیل

پیرو گزارش‌ها و ادعای غیر قابل استناد در هآرتز، روتیزر، میدل‌ایست‌آی، فایننشال تایمز و… شد گمانه‌زنی‌های چند هفته گذشته راجع به تحرکات دیپلماتیک پشت پرده ایران و آمریکا به‌ویژه بعد از سفر هیتیم بن طارق آل سعید، پادشاه عمان، به تهران و به دنبال آن تعدیل نسبی نگاه گروسی و آژانس به فعالیت‌های هسته‌ای کشور در آستانه نشست فصلی شورای حکام در سطح رسانه‌های منطقه‌ای و فرامطاف‌های به قدری تشدید شده بود که مقامات اسرائیلی و به‌ویژه شخص بنیامین نتانیاهو را نسبت به آینده مذاکرات و حصول توافقی موقت بیس ایران و دولت بایدن نگران کرد. این نگرانی در مواضع اخیر اسرائیلی‌ها از نتانیاهو، نخست‌وزیر گرفته تا آلی کوهن، وزیر امور خارجه، تساحی هنگبی، مشاور امنیت ملی و… هویدا بود.

شاید از همین رو است که دولت بایدن علاوه بر انتشار تکذیبیه درباره نبود هرگونه تلاش دیپلماتیک پشت پرده برای حصول توافق با ایران، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا را هم با هدف اطمینان بخشی به تل‌آویو، وادار به تماس تلفنی با نتانیاهو کرد. در این زمینه دفتر نخست‌وزیری اسرائیل و وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کردند که نتانیاهو و بلینکن درباره برنامه هسته‌ای ایران و نقش آن در منطقه گفت‌وگوی تلفنی مفصلی داشته‌اند. این‌طور که وبگاه خبری جوییش‌نیز سبیدیکیت نوشت، طبق بیانیه‌ای که دفتر نخست‌وزیری اسرائیل درباره این گفت‌وگو منتشر کرده است، نتانیاهو «بر موضوع تغییرناپذیر خود تأکید کرد که بازگشت به توافق هسته‌ای موجب متوقف‌شدن برنامه هسته‌ای ایران نخواهد شد و هیچ توافقی با ایران برای اسرائیل که هر کاری برای دفاع از خود انجام خواهد داد، الزام‌آور نخواهد بود». در آن سو نیز طی بیانیه‌ای که وبگاه وزارت امور خارجه آمریکا نیز درباره این گفت‌وگو منتشر کرده، ادعا شده که بلینکن «درباره چالش‌های گسترده منطقه‌ای، ازجمله تهدید ناشی از ایران» با نتانیاهو گفت‌وگو کرد.

در کنار این گفت‌وگوی تلفنی بلینکن و نتانیاهو، گروهی از قانون‌گذاران آمریکایی هم در نامه‌ای به رهبران سه کشور اروپایی عضو توافق هسته‌ای (آلمان، فرانسه و انگلستان)، با مطرح‌کردن ادعاهایی علیه ایران در زمینه اجرای تعهدات برجامی، از آنها خواستند مکانیسم ماشه علیه ایران را فعال کنند. وب‌سایت جوییش‌اینسایدر در گزارشی مدعی شد به رونوشتی از نامه ۳۵ قانون‌گذار مجلس نمایندگان آمریکا دست پیدا کرده است که با اشاره به نزدیک‌شدن پایان تاریخ محدودیت‌های موجود (بندهای غروب برجام) در زمینه فعالیت‌های ایران در حوزه صنایع موشکی در ادامه سال جاری (اکتبر ۲۰۲۳)، بر ضرورت فعال‌شدن این مکانیسم تأکید کرده‌اند.

این گزارش می‌افزاید، قانون‌گذاران آمریکایی مدعی شدند که «ایران حدود چهار سال است که اجرای تعهدات مهم برجامی را متوقف کرده، به توسعه برنامه هسته‌ای خود ادامه می‌دهد و

عبدالرحمن فتح الهی: بعد از هآرتز نوبت به میدل‌ایست‌آی رسید که با گمانه‌زنی‌های خود به مذاکرات پشت پرده تهران – واشنگتن به موضوع احتمال توافق موقت بپردازد؛ اما تکذیب کاخ سفید درباره هرگونه تحرکات دیپلماتیک از سوی دولت بایدن با طرف ایرانی برای حصول توافقی، حتی به صورت موقت، آب پاکی را روی تحلیل این روزهای فضای رسانه‌ای ریخت. در این راستا کاخ سفید گزارش میدل‌ایست‌آی درباره توافق موقت آتی میان تهران و واشنگتن را رد کرد. یک سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید روز پنجشنبه در واکنش به گزارش میدل‌ایست‌آی با تأکید بر اینکه این گزارش اشتباه و گمراه‌کننده است، اساسا طرح هرگونه گزارشی درباره توافق موقت را غلط دانست.

پیش‌تر میدل‌ایست‌آی هم مشابه با روزنامه اسرائیلی هآرتز به نقل از دو منبع مدعی شده بود که ایران و آمریکا «در حال نزدیک‌شدن به توافقی موقت برای کاهش تحریم‌های آمریکا در ازای کاهش فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران» هستند. این منابع همچنین مدعی شده بودند که «طرفین درباره توافق موقت به تقاضم رسیدند تا بتوانند آن را نزد سران کشور خود ببرند». در این گزارش آمده بود که ایران متعهد به توقف غنی‌سازی اورانیوم با غنای ۶۰ درصد و بالاتر و همچنین همکاری با دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل می‌شد و در ازای آن می‌توانست تا یک میلیون بشکه نفت را در روز صادر کند و توانایی دسترسی «به درآمد و اموال بلوکه‌شده خود در خارج» را پیدا می‌کرد. قبل‌تر از تکذیبیه پنجشنبه گذشته کاخ سفید درباره گزارش میدل‌ایست‌آی، ودانت پاتل، معاون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، هم در یک نشست خبری و در پاسخ به سوآلی درباره گزارش ادعایی روزنامه هآرتز مصی بنی بر اینکه ایران و آمریکا در حال انجام رایزنی‌های محرمانه برای حصول به یک توافق اولیه هستند، تأکید کرد که به این‌گونه شایعات یا درز گفت‌وگوهای دیپلماتیک که تمایل به دروغ‌پردازی و گمراه‌کردن دارند، پاسخ نمی‌دهد.

باوجوداین روتیزر به نقل از دو مقام ایرانی با تأیید دیدار رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران و امیر سعید ابروانی، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل، تصریح کرد که در هفته‌های گذشته این دو، حداقل سه بار ملاقات کرده‌اند. دو مقام ایرانی به روتیزر گفته‌اند که در این سه دیدار پیشرفت‌هایی حاصل شده؛ اما هنوز هیچ توافق حتمی و قریب‌الوقوعی به دست نیامده است. یک مقام ایرانی دیگر با اذعان بر اینکه رابرت مالی و امیر سعید ابروانی با هم ملاقات کرده‌اند، جزئیاتی درباره این دیدارها ارائه نکرد. روتیزر هم در گزارش خود با استناد به مواضع این مقامات ارشد ایرانی، مدعی است که «پیشرفت‌هایی حاصل شده و تهران پیشنهادهای و پیام‌هایی را با طرف آمریکایی‌ها ردوبدل کرده است. با این حال، این خبرگزاری از زبان مقامات ایرانی تأکید می‌کند، «جزئیات زیادی وجود دارد که دو طرف (تهران و واشنگتن) باید درباره آنها بحث کنند». این سخنان هیچ‌کدام مسیر و اقدام مشخص یا برنامه‌ای تدوین‌شده در زمان نزدیک را اعلام نکرده بودند.

البته پیش از روتیزر، فایننشال تایمز از قول دیپلمات‌ها نوشته بود که راب مالی چندین بار با امیر سعید ابروانی که قبل از اعزام به نیویورک در ماه سپتامبر، یکی از مقامات ارشد شورای عالی امنیت ملی بود، دیدار کرده است. به نظر این روزنامه انگلیسی، گفت‌وگوهای مذکور دو طرف که اولین تماس مستقیم بین مقامات آمریکایی و ایرانی بعد از خروج ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸ است. در درجه اول بر امکان تبادل زندانی با ایران متمرکز بوده است.

هرچند ودانت پاتل، گزارش روزنامه هآرتز دربار تلاش‌های پشت پرده دولت بایدن با هدف حصول توافق با تهران را دروغ‌گویی خواند؛ اما معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا درباره ادعای فایننشال تایمز مبنی بر دیدار رابرت مالی با سفیر ایران در سازمان ملل درباره تبادل زندانیان آمریکایی تنها به سکوت بسنده و اذعان کرد که او «جیزی برای گفتن در این زمینه ندارد». این جمله پاتل هرچند ودانت پاتل، گزارش روزنامه هآرتز دربار تلاش‌های پشت پرده دولت بایدن با هدف حصول توافق با تهران را دروغ‌گویی خواند؛ اما معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا درباره ادعای فایننشال تایمز مبنی بر دیدار رابرت مالی با سفیر ایران در سازمان ملل درباره تبادل زندانیان آمریکایی تنها به سکوت بسنده و اذعان کرد که او «جیزی برای گفتن در این زمینه ندارد». این جمله پاتل هماهنگ کرده بودند».

اما چرا نوشته روی موشک از خود موشک دراین‌باره اهمیتش بیشتر بوده؟ فشارخ از گمانه‌زنی‌های فراوان درباره حضور رسانه‌ای ظرفیت اینکه اساسا موضوعی که می‌خواست در یادداشت «کشگری مرزی» درباره «ترکمنچای» بگوید چیست، نشست کلاه‌هاوسوی از ده هفته گذشته یک زاویه نگاه مهم به پرونده هسته‌ای و پرونده بین‌المللی ایران را نشان داد که با نظریه «سازهانگاری یا برسازای» (constructivism) و مکتب کپنهاگ باید آن را فهمید. همچنان که خود ظرفیت هم بخش اول و اصلی، حرف‌هایش را با همین نظریه آغاز کرد. دقیقا با همین نگاه به‌راحتی می‌توان فهمید چرا موشک‌ها بدون شعار می‌توانست نقش «دفاعی» داشته باشد که برای هر کشوری قابل توجیه است، اما نوشته‌شدن شعارهای «محو اسرائیل» توانست مورد استفاده پروژه اسرائیلی «امنیتی‌سازی» از پرونده ایران بیاید.

پروژه امنیتی‌سازی

ظرفیت حرف‌هایش را در کلاب‌هاوس این‌طور شروع کرد: «در روابط بین‌الملل دیدگاهی داریم به عنوان امنیت‌سازی که کمتر در ایران مورد توجه قرار گرفته است، طرح برنامه هسته‌ای



و نزدیک ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا و فرماندهی مرکزی ایالات متحده قرار دارد.

در ادامه این بیانیه آمده است که «امارات متحده عربی متعهد به گفت‌وگوهای مسالمت‌آمیز و ابزارهای دیپلماتیک به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف مشترک امنیتی و ثبات منطقه است». وزارت خارجه امارات در بیانیه خود افزوده بود، «ما به تعهدات خود برای تضمین ایمنی دریانوردی در آب‌های دریاهای خود به شیوه‌ای مسئولانه ادامه خواهیم داد».

این بیانیه در کنار شنیده‌شدن زمره‌مهایی درباره تشکیل نیروی دریایی مشترک بین ایران، عربستان، امارات و عمان هم دایره نگرانی‌های واشنگتن پیرامون انجام پخت‌وپزهایی در غرب آسیا بدون حضور آمریکا را دودندان کرد. این خبر را وب‌سایت الجدید در قطر به نقل از منابع آگاه در اول ژوئن/ یازدهم خرداد منتشر کرد که با مواضع قاطعی از سوی امیر شهرام ایرانی، فرمانده نیروی دریای ارتش جمهوری اسلامی ایرانی نیز همراه بود.

الته تیم ماؤکنیک، سخنگوی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا، به واکنش به اظهارات فرمانده نیروی دریایی ارتش ایران مبنی بر شکل‌گیری ائتلاف مشترک نیروی دریایی ایران با کشورهای منطقه از جمله عربستان، امارات، قطر، بحرین و عراق در آینده نزدیک در گفت‌وگویی اختصاصی با وب‌سایت بریکنگ دینفس مدعی شد که «این ادعا با اقدامات ایران مطابقت ندارد». همچنین به باور ناظران، امارات روابط نزدیک‌تری با چین ایجاد کرده، مناسبات راهبردی‌اش را با فرانسه بهبود بخشیده است و نیم‌نگاهی هم به تقویت تعللات خود با ایران، روسیه و هند دارد.

مجموعه این نکات و تحولات دیگر در نهایت پای آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا را سه‌شنبه‌شب هفته گذشته و هم‌زمان با افتتاح سفارت ایران در ریاض به عربستان سعودی باز کرد. دو دیدار با محمد بن سلمان، شرکت در نشست ائتلاف جهانی ضد داعش و تخصیص بودجه ۱۵۰ میلیون دلاری برای بازسازی مناطق جنگ‌زده سوریه و عراق در اثر جنگ با داعش و اختصاص بودجه‌ای برای ائتلاف دریایی آمریکا و کشورهای هم‌پیمان، شرکت در نشست وزرای خارجه آمریکا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بخشی از برنامه کاری بلینکن بود.

در همین رابطه وزرای خارجه آمریکا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در نشست مشترک خود از توافق ایران و عربستان استقبال کردند. آنها در بیانیه مشترکشان بر اهمیت تلاش‌ها برای کاهش تنش در منطقه تأکید کردند. در بخشی از این بیانیه آمده است که «بر حمایت‌های خود از معاهده عدم گسترش سلاح هسته‌ای تأکید می‌کنیم». آنها همچنین خواستار همکاری کامل ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شدند. در این بیانیه آمده است که به رسیدن به راه‌حل سیاسی برای بحران سوریه و حفظ وحدت و حاکمیت سوریه پایبند هستیم. اکنون که شاهد فضای گرم و میش مذاکرات هستیم، نمی‌توان هیچ سناریویی را قطعی دانست. همان‌طور که نمی‌توان هیچ گزاره‌ای را هم کنار گذاشت. فعلا همه‌چیز در نقطه کنونی فریز شده و مبهم است؛ بنابراین تحولات پیش‌رو روشن نمی‌کند چه اتفاقی برای آینده گفت‌وگوها، تعیین تکلیف زندانیان دوتابعیتی، پرونده فعالیت‌های هسته‌ای، برجام و… خواهد افتاد.

هولوکاست» تا «شعار روی موشک». حتی طرح مسئله «بمب هسته‌ای». ظرفیت در پاسخ به این پرسش که آیا سلاح هسته‌ای کمکی به تأمین امنیت ایران می‌کند؟ از همین منظر پاسخ داده بود. او گفته بود: «دو نظریه در اینجا وجود دارد. نظری که من به آن نزدیک‌تر هستم و به نظر رهبری نیز با آن موافق باشد، سلاح هسته‌ای کمکی به امنیت ایران نمی‌کند بلکه کشور را وارد فرایند خطرناکی می‌کند». سؤال درست این است که ظرفیت هم پرسید که «آیا اسرائیل نگران سلاح هسته‌ای ایران است؟» از نگاه ظرفیت اسرائیل نگران سلاح هسته‌ای ایران نیست که اگر بود «باید موافق برجام» بود. اما آنها برجام را یک توافق ننگین خواندند. به باور ظرفیت مسئله اسرائیل با ایران موضوع «جنگ‌های نامنظم» و «گره‌های چریکی» است که با اسرائیل مبارزه می‌کنند. به بیان دقیق‌تر ظرفیت می‌گفت که «اسرائیل از برجام حمایت نکرد چون هدفش امنیتی‌سازی ایران بود و در این شرایط اگر بگوییم که ما به دنبال سلاح هسته‌ای می‌رویم، در حقیقت در زمین اسرائیل بازی کرده‌ایم».

نتیجه‌گیری:

اینکه توان موشکی ایران تا چه اندازه است، در مقام یک مقوله دفاعی همواره مورد تأیید جامعه و نخبگان سیاسی قرار دارد. این قدرت «نظامی دفاعی» توان اجماع‌سازی جهانی علیه ایران را نداشت، تا زمانی که ایران به عنوان یک خطر برای امنیت منطقه جهان تلقی نشود. شعار روی موشک اهمیت داشت، چون اسرائیل با خود موشک نمی‌توانست ایران را متهم کند. موشک خالی و بدون شعار موشکی بود که توجیه آن در میان ملت‌ها منطق تدافعی داشت. اما نوشتن آن شعار روی موشک، آن را به ابزار تهاجمی تبدیل کرد. آن‌هم در شرایطی که دنیا در سمت ایران ایستاده بود و اسرائیل را نکوهش می‌کرد که چرا با توافق هسته‌ای مخالف است. درست در شرایطی که اسرائیل منزوی بود و نیاز داشت حرکت واقدامی به کمک آنها بیاید تا پروژه «امنیتی‌سازی» از پرونده ایران را در جهان تقویت کند.

دستیابی ایران به یک سلاح اتمی، هر کاری لازم باشد می‌کند، آیا گزینه نظامی هم مطرح است، به گزینه روی میز پرداخت و در این‌باره تأکید کرد که «رئیس‌جمهور بایدن بارها به‌وضوح گفته که تمامی گزینه‌ها برای اطمینان‌یافتن از اینکه ایران هرگز به یک سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند، روی میز است».

وقتی نگرانی آمریکا، بلینکن را به‌خاورمیانه می‌کشاند

صدور بیانیه کاخ سفید و تکذیب هرگونه تلاش از سوی دولت بایدن برای حصول توافق با ایران، انجام گفت‌وگوی تلفنی آنتونی بلینکن و بنیامین نتانیاهو برای مرتفع‌کردن نگرانی‌های تل‌آویو پیرامون دیپلماسی آشکار و پنهان دولت بایدن، مصاحبه وزیر امور خارجه ایالات متحده با الشرق و تأکید بر این نکته که فعلا واشنگتن روی احیای برجام متمرکز نیست و همچنین نامه ۳۵ قانون‌گذار مجلس نمایندگان آمریکا برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه تنها بخشی از تکاپوهای ایالات متحده در چند روز اخیر بود. در سوی دیگر خود آمریکایی‌ها نیز مانند اسرائیل از تحولات خاورمیانه (با محوریت پوست‌اندازی‌های سیاسی و دیپلماتیک عربستان بعد از توافق با ایران و احیای روابط با تهران، تلاش برای ترمیم مناسبات با سوریه و بازگرداندن دمشق به اتحادیه عرب و دیدار ریاض با گروه‌های فلسطینی) نگران هستند.

این نگرانی‌ها آنتونی بلینکن را بر آن داشت تا هفته گذشته راهی عربستان سعودی شود. حضور رئیس دستگاه دیپلماسی ایالات متحده چند هفته پس از سفر هفتم می (۱۷ اردیبهشت) جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا به عربستان و حدود یک سال پس از سفر جو بایدن، رئیس‌جمهور این کشور به ریاض انجام شد که البته با نتیجه‌ای متفاوت همراه بود. سالیوان ماه می با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان درباره روابط راهبردی دو کشور گفت‌وگو کرد و حتی به رایزنی با شیخ طخون بن‌زاید آل‌نهیان، مشاور امنیت ملی امارات و اجیت دوال، مشاور امنیت ملی هند پرداخت تا به نزدیک‌شدن دیدگاه واشنگتن با این کشورها نسبت به مناسبات منطقه‌ای این امر هند و جهان دست یابد.

در طرف دیگر سفرهای متوالی مقامات دولت بایدن به عربستان سعودی نشان می‌دهد کاخ سفید مصمم به کاهش شکاف در روابط واشنگتن و ریاض است. روابط دو طرف پس از موافقت عربستان با درخواست روسیه برای کاهش سقف تولید در «اوپک‌پلاس» رو به افول گذاشته است. در همین رابطه سفر هفته گذشته بلینکن به عربستان و در انتها چند روز پس از آن انجام شد که عربستان متعهد به کاهش بیشتر تولید نفت شده است. اقدامی که احتمالا مشابه با اکتبر گذشته بر تش در روابط واشنگتن و ریاض می‌افزاید. البته دولت بایدن علاوه بر عربستان با چالش مشابه دیگری با امارات متحده عربی هم دست‌به‌گریبان است. به‌ویژه که ۳۱ می/ دهم خرداد، وزارت امور خارجه امارات در بیانیه‌ای که توسط سرگگزاری رسمی این کشور (وام) منتشر شد، اعلام کرد که امارات بعد از ارزیابی مستمر همکاری‌های امنیتی با همه شرکا، دو ماه پیش از مشارکت خود در پیمان دریایی متحد خارج شد. این ائتلاف دریایی متشکل از ۳۴ کشور است که واشنگتن هدف از آن را تضمین امنیت و مبارزه با تروریسم و دزدی دریایی در مناطق دریای سرخ و خلیج فارس که از مهم‌ترین مسیرهای کشتیرانی در جهان هستند، توصیف کرده است. مقر اصلی این ائتلاف دریایی در بحرین

می‌شود شرایطی جدید در روابط کشورها ساخته شود. نمونه اخیر تبدیل‌شدن یک مقوله از طریق یک «کنش زبانی» به یک «مقوله امنیتی» را می‌تواند در اظهار نظر ابراهیم رئیسی درباره حقایق ایران به روشنی مشاهده کرد. جایی که او اعلام کرد «به حاکمان افغانستان اخطار می‌کنم، حقایق مردم سیستان و بلوچستان را بدهند. حرف من را جدی بگیرد تا بعدا گلایه نکنید». دیدیم که این کنش زبانی چگونه منجر به یک اختلاف عمیق‌تر شد.

باری بوزان و مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ که ظرفیت به آن اشاره کرد در مطالعات امنیتی یک مکتب فکری است که در کتاب باری بوزان به نام «مردم، دولت‌ها و هراس: مسئله تهدید کلبدی مکتب انگلیسی در بین‌الملل»، (۱۹۸۳) ریشه دارد. مکتب کپنهاگ تأکید خاصی بر جنبه‌های اجتماعی امنیت دارد و از آنجا که بسیاری از اعضای این مکتب در مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ فعالیت کردند به این نام مشهور شد. باری بوزان این مکتب را در سال ۱۹۸۵ بنیان نهاد. او در دهه ۱۹۹۰ عمدتا روی ایجاد متعدد امنیت کار کرد و طی دهه اخیر، به‌ویژه در مسئله تهدید کلبدی مکتب انگلیسی در باب امنیت تبدیل شده است. بوزان در آثار خود نشان داده است که به اطلاعات وسیعی دسترسی دارد، به کشورهای زیادی (از جمله ایران) سفر کرده و درصدد ارائه نظریه‌ای درباره امنیت در نظام بین‌الملل است. او تفسیرهای هابزی و کانتی از امنیت بین‌الملل را ناقص می‌داند و معتقد است می‌توان در قالب نظریه مجموعه منطقه‌ای امنیت، بسیاری از نابسامانی‌های بین‌المللی را توضیح داد. اساسا امور «امنیتی» به مسائلی گفته می‌شود که با بقا و موجودیت یک مجموعه مانند کشور سروکار پیدا می‌کند یا این‌گونه جلوه داده می‌شود. این قبیل موارد مستلزم تمهیدات اضطراری و اتخاذ تدابیری ورای رویه‌های متداول است. بوزان و همکارانش در کتاب خود تأکید دارند که هر نمونه موقعیت‌آمیز امنیتی‌کردن موضوعات، سه مؤلفه دارد: تهدید علیه موجودیت، اقدام اضطراری و خارج